

ایجاد فرصت برای معلمان



تحصیلی راهنمایی و دبیرستان موجب شده است تا آنان حسن خلق لازم را نداشته باشند، قدری تندخو شوند، روحیه‌ی انتقادپذیری خود را از دست بدهند و زود عصبانی شوند و زبان به گله بکشایند.

ما که این همه از جامعه و مردم و والدین انتظار داریم تا به منزلت‌مان توجه کنند، به چه میزان در توسعه‌ی صلاحیت‌های حرفه‌ای‌مان تلاش می‌کنیم؟ این مطالبات و تمناهای اجتماعی حاصل نخواهد شد، مگر آن که بخشی از اوقاتمان را به مطالعه، تحقیق، تفکر و اندیشیدن و آرامش روحی اختصاص دهیم.

«آزادسازی وقت معلمان و ایجاد فرصت اندیشیدن و تدبیر برای آنان» باید به مثابه‌ی یک استراتژی توسعه در آموزش و پرورش قلمداد شود. ابتدا در سطح مدیریت ارشد و سپس مدیران میانی باید به این استراتژی توجه شود و سپس مدیران مدارس در اجرای آن بکوشند.

آیا مدیران ارشد و میانی آموزش و پرورش به راهبرد ایجاد فرصت اندیشیدن، تدبیر

و مطالعه برای معلمان اهتمام دارند یا خیر؟ و یا این که آیا ما مدیران

مدارس، به این مقوله فکر

می‌کنیم یا خیر؟ و راهکارهای ما در این راستا چیست؟ این سوال‌ها ما را ملزم به اندیشیدن می‌کند. شما فکر کنید، من هم فکر می‌کنم و در شماره‌ی آتی، نتیجه‌ی مطالعاتمان را خواهیم آورد. ■

سردبیر

بر سر این نکته که برنامه‌ها را مفصل و مشروح تدوین و تنظیم کنیم و همگان را در انجام وظایفی که بر عهده‌شان است، بسیج نماییم و در مراحل ارزیابی، نظارت و کنترل آن‌ها دقیق باشیم، توافق حاصل است و در این خصوص نیز سخنان و مطالب زیادی مطرح شده است. چیزی را که در صد آن هستیم در این مجمل به آن اشاره و تأکید کنم، برنامه‌ریزی برای گشایش و یا به عبارتی آزاد کردن وقت معلمان برای اندیشیدن و تدبیر است. فرصتی ایجاد کنیم تا معلمان عضلات ذهنی‌شان را ورزش دهند و وقت دهیم تا بیندیشند.

چرا آن میزان که برای تبیین و گوشزد وظایف معلمان تلاش می‌کنیم، برای مطالعه، تفکر و تدبیر آنان که در واقع از وظایف ذاتی‌شان است، سرمایه‌گذاری نمی‌کنیم؟ امروزه معلمان ما بسیار مشغول به نظر می‌رسند و وقت آزاد چندانی برای مطالعه و اندیشیدن ندارند.

کمتر فرصت می‌کنند مطالعه کنند، وقت لازم را برای گفت‌وگوی آزاد و بی‌دغدغه و خارج از کلاس درس با دانش‌آموزان و والدینشان ندارند؛ در حالی که این حق دانش‌آموزان است که

معلمانشان مطالعه و تحقیق کنند و

با آگاهی و دانش روز در کلاس درس حاضر شوند و فرصت گفت‌وگو و شنود داشته باشند.

کمبود وقت، مشغله‌ی کاری و روز مرگی،

به‌ویژه برای معلمان مرد، آن هم در دوره‌های